

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده علوم انسانی

گروه فلسفه

عنوان

تعلیم و تربیت در اندیشه افلاطون

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی فتح طاهری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عبدالرزاق حسامی فر

دانشجو:

خدیجه قربانی سی سخت

اسفند ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به بهانه‌ی دوست داشتن...

تقدیم به همسر عزیزم

با سپاس به درگاه خداوندی که پاک‌دلان را تنها تکیه‌گاه است و دل‌سوختگان را
تنها مأوا، بی‌لطف او صبا پرده گل نشکفاند، باد گیسوی شمشاد نلرزاند و بی‌صنع
اولاله پُر ژاله نگردد...

با تقدیر و تشکر از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر علی فتح‌طاهری که با
راهنمایی‌های ارزنده خویش مرا در تدوین این رساله مساعدت فرمودند و
همچنین جناب آقای دکتر عبدالرزاق حسامی‌فر که از مشاوره ایشان بهره‌مند
بودم.



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
 معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی
 فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد / دکتری خانم...
 دانشجوی رشته... گرایش... تحت عنوان...
 در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره ۱۸.۴۵ و درجه...
 داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه‌ی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر علی فتح‌طابری	استادیار	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	
۲	استاد مشاور	دکتر عبدالرزاق حاج‌زاد			
۳	داور خارج	دکتر محمد شکاری	استادیار	دانشگاه آزاد شمال	
۴	داور داخل	دکتر سید زاهد بیگلر بفر	استادیار	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	سید علی محمد عسکری	استادیار	بین‌المللی امام خمینی	



بسمه تعالی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب سید علی حسینی دانشجوی رشته فلسفه مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان تأثیر سبک زندگی بر سلامت روانی را تأیید کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین‌المللی، نبوده و تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ‌التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت‌ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو سید علی حسینی

امضاء و تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۰

فهرست مطالب

۱۱		چکیده
۱۲		مقدمه
۱۷		فصل اول
۱۷		ریشه‌های تاریخی تعلیم و تربیت افلاطون
۱۸	۱-۱ ادبیات و شعر یونان باستان	
۲۱	۲-۱ آداب و رسوم اشراقیگری	
۲۴	۳-۱ علم طب در یونان باستان	
۲۸	۴-۱ سوفسطائیان	
۳۰	۱-۴-۱ نقش سوفسطائیان در تعلیم و تربیت یونان	
۳۳	۵-۱ سقراط	
۳۸	۶-۱ نظام دولتی اسپارت	
۴۲		ریشه‌های فلسفی تعلیم و تربیت افلاطون
۴۳	۱-۲ اخلاق	
۴۵	۲-۲ فضیلت	
۴۹	۳-۲ معرفت	
۵۴	۴-۲ عدالت	
۵۶	۵-۲ خدا	
۶۰	۶-۲ نفس	
۶۴	۷-۲ انسان‌شناسی	
۶۷		نظام تربیتی در سالی جمهوری
۶۸	۱-۳ نقش و تأثیر حکومت در تعلیم و تربیت	
۷۳	۲-۳ مراحل تربیتی فرد	

۷۴ ۱-۲-۳ مرحله‌ی اول: آموزشهای مقدماتی
۸۲ ۲-۲-۳ مرحله‌ی دوم: آموزشهای نظری (مفاد آموزشی)
۸۲ ۱-۲-۲-۳ علم حساب
۸۳ ۲-۲-۲-۳ علم هندسه
۸۴ ۳-۲-۲-۳ هندسه فضایی
۸۴ ۴-۲-۲-۳ علم نجوم
۸۵ ۵-۲-۲-۳ علم موسیقی
۸۶ ۳-۲-۳ مرحله‌ی سوم: دیالکتیک و فلسفه‌ورزی
۸۷ ۴-۲-۳ مرحله‌ی چهارم: رسیدن به خیر مطلق
۸۸ ۳-۳ نقش خانواده در نظام تربیتی افلاطون
۹۱ ۴-۳ نقش و تأثیر معلم در تعلیم و تربیت
۹۳ ۵-۳ نقش زنان در نظام تربیتی افلاطون
۹۶ ۶-۳ تأثیر افلاطون بر دیگر اندیشمندان تربیتی
۹۹ ۱-۶-۳ قابلیت بازسازی نظام تربیتی افلاطون
۱۰۳ ۷-۳ نقد نظام تربیتی افلاطون
۱۰۸ نتیجه‌گیری
۱۱۴ Abstract

چکیده

در دیدگاه افلاطون تعلیم و تربیت به عنوان فرآیندی انسانی دربرگیرنده‌ی تمامی ابعاد وجودی انسان اعم از؛ مادی، معنوی، فردی و اجتماعی است، که قبل از تولد فرد آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه می‌یابد. وی با چنین نگرشی، تعلیم و تربیت آگاهانه انسان را، مهمترین هدف فلسفه - ورزی خویش در بزرگترین اثرش (یعنی رساله‌ی جمهوری) قرار می‌دهد.

اندیشه تربیتی افلاطون مبتنی بر برخی ریشه‌های تاریخی است که زمینه‌ی ظهور و بروز آن را فراهم نموده‌است. اثر حاضر ضمن بررسی اجمالی ریشه‌های تاریخی تعلیم و تربیت افلاطون، مبانی فلسفی این اندیشه را در چارچوب نگاه افلاطون به مباحثی همچون: اخلاق، فضیلت، معرفت، عدالت و... مورد توجه قرار می‌دهد و به بررسی نظام تربیتی رساله‌ی جمهوری - پردازد.

جامع‌نگریو ایده‌آل‌گرایی تربیتی افلاطون اگرچه زمینه را برای ظهور اندیشه‌های متفکران پس از وی فراهم کرده است ولی دلیل نفوذ و سیطره‌ی برخی از شرایط زمانی و قومی بر تفکر افلاطون در معرض نقدهای جدی قرار دارد. با صرف نظر از دستورات تربیتی‌ای که متأثر از شرایط زمانی و آداب و رسوم قومی است، ارزش رساله جمهوری به عنوان یک اثر تربیتی مهم همچنان قابل توجه است.

واژگان: کلیدی: تعلیم و تربیت، اخلاق، معرفت، نفس، عدالت، زمامداران، نگهبانان، حکومت، دیالکتیک.

مقدمه

«تعلیم و تربیت» به عنوان فرآیندی انسانی، نقشی اساسی در شکل‌دهی زندگانی فردی و نظام اجتماعی بشر ایفا می‌کند. در بررسی سیر تاریخی تعلیم و تربیت متفکران بسیاری رامی‌یابیم که با دغدغهی تربیت به خلق آثاری در این زمینه همت گماشته‌اند.

افلاطون نخستین متفکری است که بر مبنای فلسفی نظریه‌ی منسجمی در عرصه‌ی تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد. اندیشه‌ی تربیتی افلاطون در رساله‌های «جمهوری»^۱، «قوانین»^۲، «پروتاگوراس»^۳، «گرگیاس»^۴ و «منون»^۵ مطرح می‌شود. اما به لحاظ اهمیت جمهوری در درجه‌ی اول قرار دارد، زیرا افلاطون در این رساله زیربنای هستی-شناسی^۶، معرفت‌شناسی^۷، ارزش‌شناسی^۸ نظام تربیتی و به عبارت بهتر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت خویش را بیان می‌کند.

بسیاری از افلاطون‌شناسان بزرگ، رساله‌ی جمهوری را مهمترین و مشهورترین رساله افلاطون می‌دانند. این رساله از آثار دوره‌ی میانی افلاطون محسوب می‌شود. جمهوری بیشتر به عنوان یک اثر سیاسی شناخته شده است. اما در بررسی این رساله به خوبی بر خواننده آشکار می‌شود که انگیزه‌های تربیتی افلاطون کمتر از انگیزه‌های سیاسی او نیست. در واقع آراء سیاسی و تربیتی افلاطون در جمهوری چنان به هم تنیده، که جداسازی یکی از دیگری کاری بس دشوار است. در اندیشه‌ی افلاطون ارتباط بین حکومت یک جامعه و تعلیم و تربیت، ارتباطی دو سویه

¹-Republic

²-Laws

³-Protagoras

⁴-Gorgias

⁵-Meno

⁶-Ontology

⁷-Epistemology

⁸-Axiology

و متقابل است که هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی‌شود. دردیدگاه اولازمه‌ی داشتن جامعه‌ای خوب، تعلیم و تربیت صحیح است و تعلیم و تربیت صحیح نیز بدون شکل‌گیری حکومت مطلوب محقق نمی‌شود. هنگامی جامعه از عدالت دور می‌افتد و یا انواع پست و ظالمانه حکومت شکل می‌گیرد که افراد آن جامعه از تربیت حقیقی و صحیح دوری‌یافتند.

در بررسی این مسأله که چرا اندیشه تربیتی افلاطون با اندیشه‌ی سیاسی او آمیخته است، و افلاطون تفکر تربیتی خویش را در قالب یک آرمان‌شهر ارائه می‌دهد، عوامل مختلفی مؤثر بوده‌اند: افلاطون از طبقه‌ی اشراف برخاسته بود و تعلیم و تربیت او نیز طبق آداب و رسوم این طبقه بود. در اندیشه اشراف نمود حقیقی فضایل اخلاقی و انسانی در رهبری سیاسی متبلور می‌شود. آنان جوانان خود را با انگیزه‌ی رهبری و خدمت به جامعه تربیت می‌نمودند.

«یونانیان اخلاق^۲ و سیاست^۳ را یک چیز می‌دانستند، و تمایزی را که ما میان آن دو قائل هستیم غیر واقعی تلقی می‌کردند. خوبی هر فرد ارتباط تنگاتنگی با خوبی جامعه‌ای داشت که در آن زندگی می‌کرد، زندگی خوب مستلزم جامعه خوبی بود که خود را در آن نشان دهند و جامعه خوب موجبات سهولت و امکان زندگی خوب را فراهم می‌آورد.» (گاتری، ۱۳۷۵، ص ۲۸-۲۹)

از سوی دیگر یونان در روزگاری که افلاطون می‌زیست (یعنی قرن پنجم ق.م.) شرایط خاصی داشت. فروپاشی حکومت دموکراسی پس از مرگ پریکلِس^۴ و برقراری حکومت سی‌تن جبار (که دوامی نداشت)، شکل‌گیری مجدد حکومت دموکراسی و بدبینی آنان نسبت به نزدیکان سی‌تن جبار، و حضور و نفوذ اندیشه‌ی سوفسطائیان^۵ وضعیت خاصی را ایجاد نموده بود که به صورت بحران اخلاقی نمودار شد. بارزترین نمود این بحران در مرگ سقراط^۶ جلوه‌گر شد.

^۱-Utopia

^۲-Ethics

^۳-Politics

^۴-Pericles

^۵-Sophists

^۶-Socrates

افلاطون این بحران اخلاقی و فکری و بسیاری از مشکلات عصر خویش را ناشی از عدم تربیت صحیح می‌دانست. از نظر او جامعه با فاصله گرفتن از تربیت اصیل گذشتگان به مشکلات بسیاری دچار می‌شود. تلفیق این دیدگاه با عنصر سیاسی شخصیت افلاطون، و به مدد نبوغ فلسفی او به خلق رساله‌ی **جمهوری** انجامید. افلاطون در این رساله به ترسیم آرمان شهری پرداخت که آن راتنها صورت ایده‌آل برای زندگی انسان می‌دانست، و معتقد بود سعادت حقیقی انسان تنها در چنین آرمان شهری محقق می‌شود. افلاطون در آرمان شهرش که فیلسوف شاهانی افلاطونی مسئولیت اداره و هدایت آن را بر عهده دارند، به هدایت و تربیت آگاهانه‌ی انسان می‌پردازد. همه‌ی امور این شهر در خدمت تعلیم و تربیت صحیح (آن‌گونه که افلاطون به آن اعتقاد داشت) قرار دارد، و هر امری با توجه به مطابقت یا عدم مطابقتش با تعلیم و تربیت صحیح در این شهر مجاز یا غیر مجاز اعلام می‌شود.

افلاطون در ترسیم آرمان شهر خویش چنان ایده‌آلی و آرمان‌گرایانه می‌اندیشد که گاه به خشونت و دستوراتی غیر انسانی منجر می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد افلاطون در **جمهوری** به ارائه‌ی جامعه‌ای می‌پردازد که بیشترین بهره‌مندی را از صورت مثالی جامعه‌ی حقیقی دارد، و به تبع آن بهترین حکومت و تربیت را نیز متعلق به این جامعه می‌داند. در نتیجه برای حفظ آن به هر قانون و دستوری (اعم از قوانین خشک و غیر انسانی) متوسل می‌شود. افلاطون را به خاطر همین نگرش ایده‌آلی و آرمانی‌ای که در تعلیم و تربیت دارد، آغازگر مکتب ایده‌آلیسم^۱ تربیتی می‌دانند.

بعدها افلاطون در راستای اهداف **جمهوری**، اما با دیدی واقع‌گرایانه‌تر (و شاید هم به امید تحقق چنین نظامی) به نگارش رساله‌ی **قوانین** پرداخت، اما این رساله با مرگ او ناتمام ماند.

همان‌گونه که در ابتدای بحث اشاره شد آراء تربیتی افلاطون در رساله‌های گوناگون او بیان شده است، اما به دلیل وسعت و عمق اندیشه تربیتی افلاطون و کمبود وقت، در این پایان‌نامه تنها

^۱-Idealism

رساله‌ی **جمهوری** را که دربرگیرنده‌ی جامع‌ترین اندیشه‌های تربیتی و مبانی تعلیم و تربیت افلاطون است، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

هدف اصلی‌ای که در این پژوهش در پی دستیابی به آن می‌باشیم، این است که ضمن بررسی ریشه‌های تاریخی و مبانی فلسفی اندیشه‌ی تربیتی افلاطون، همچنین با توجه به نظام تربیتی‌ای که در رساله‌ی **جمهوری** برای تربیت افراد جامعه ارائه می‌دهد، بتوانیم پاسخ مناسبی برای پرسش‌هایی که در این حوزه مطرح است پیدا کنیم. در این راستا پایان نامه مذکور در سه فصل تدوین شده است، که هر کدام از این فصول مباحث زیر را بیان می‌کند:

فصل اول ریشه‌های تاریخی تعلیم و تربیت افلاطون را مورد بررسی قرار می‌دهد. مواردی که در این فصل به آن پرداخته می‌شود عبارت‌اند از: آداب و رسوم اشرافی‌گری^۱ به عنوان فرهنگی که افلاطون طبق دستورات آن پرورش یافته است. شعروادبیات کهن یونان، که در دیدگاه اشراف یکی از ابزار رشد اخلاقی فرد به شمار می‌رفت. طب^۲ یونان باستان که در شکل‌گیری اندیشه اخلاقی افلاطون مؤثر بوده است. سوفسطائیان به عنوان معلمانی که مروج آموزش و پرورش نوینی در یونان قرن پنجم ق.م. بودند. سقراط به عنوان بزرگترین اندیشمندی که در شکل‌گیری تفکر اخلاقی و فلسفی افلاطون مؤثر بوده است. نظام دولتی اسپارت^۳ الگو و نمونه‌ی عملی‌ای بود که در ترسیم آرمان شهر افلاطون و برخی از دستورات تربیتی او تأثیر داشته است.

در فصل دوم مبانی فلسفی نظام تربیتی افلاطون مورد بررسی قرار می‌گیرد، که عبارت‌اند از: اخلاق که از مهمترین مباحث در فلسفه‌ی افلاطون می‌باشد. فضیلت^۴ اساسی‌ترین مبحث در نظریه‌ی اخلاقی افلاطون است. دیدگاه افلاطون درباره‌ی معرفت^۵ که بنیادی‌ترین بخش فلسفه‌اش می‌باشد. عدالت^۶ به عنوان فضیلتی که رساله‌ی **جمهوری** با سؤال از چیستی آن آغاز

¹-Aristocracy

²-Medicine

³-Sparta

⁴-Virtue

⁵-Knowledge

⁶-Justice

می‌شود و در شکل‌گیری آرمان‌شهر افلاطونی نقش بسزایی دارد. نگاه افلاطون به خدا^۱، نفس^۲ و انسان از دیدگر مباحثی است که در این بخش مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل سوم نظام تربیتی افلاطون در جمهوری مورد بررسی قرار گرفته است. نقش و تأثیری که حکومت به عنوان مهمترین عامل در نظام تربیتی افلاطون دارد. مراحل تربیتی یک فرد، که به ترتیب عبارت‌اند از: مرحله‌ی اول شامل آموزش‌های مقدماتی، مرحله‌ی دوم آموزش‌های نظری، مرحله‌ی سوم دیالکتیک^۴ و فلسفه‌ورزی، مرحله‌ی چهارم که مرحله‌ی نهایی است و مشاهده‌ی خیر مطلق که افلاطون انتظار دارد در این مرحله رخ می‌دهد. پس از آن به بیان نقش و تأثیر خانواده، معلم و زنان در نظام تربیتی افلاطون می‌پردازیم. در ادامه این فصل به بررسی و پاسخ-گویی سؤالات مهم و اساسی این پژوهش خواهیم پرداخت، که عبارت‌اند از:

۱- تفکر تربیتی افلاطون چه تأثیری بر دیگر اندیشمندان داشته است؟

۲- آیا نظام تربیتی افلاطون قابل باسازی است؟

۳- چه انتقاداتی بر نظام تربیتی افلاطون وارد است؟

در پایان نیز نتایج پژوهش بیان خواهد شد.

^۱-God

^۲-Soul

^۳-Anthrop

^۴-Dialectic

فصل اول

ریشه‌های تاریخی تعلیم و تربیت افلاطون

افلاطون نخستین فیلسوفی است که اندیشه‌های تربیتی خود را براساس مبانی فلسفی و در چارچوبی اصولی، با عنوان مدینه فاضله ارائه می‌کند. البته منظور از این سخن این نیست که افلاطون نظام تربیتی خویش را به نحو مجزا و مستقل از آرای پیشینیان بنا نهاده است.

اندیشه‌های تربیتی افلاطون نیز همانند هر اندیشه‌ی دیگری مبتنی بر برخی مؤلفه‌ها و ریشه‌های تاریخی است که زمینه‌ی بروز و ظهور آن را فراهم نموده است. مهم‌ترین ریشه‌های تاریخی‌ای که برای تعلیم و تربیت افلاطون ذکر شده عبارت‌اند از: شعر و ادب کهن یونان، آداب و رسوم اشرافی‌گری، علم طب یونان باستان، سوفسطائیان، اندیشه‌ی سقراط و نظام دولتی اسپارت. در این فصل به نحو اجمالی به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۱ ادبیات و شعر یونان باستان

افلاطون در کتاب دوم و سوم **جمهوری** با بررسی آثار ادبی و سبک و مضمون اشعار کهن یونان، اشعار هومر^۱ را به سختی مورد انتقاد قرار می‌دهد، اما این امر نباید باعث شود تأثیری که شعر کهن یونان در اندیشه‌ی تربیتی افلاطون داشته، نادیده گرفته شود.

اشعار هومر به عنوان قدیمی‌ترین سند فرهنگ و ادب یونان، انعکاس دهنده‌ی آرمان‌های اشرافی است و افلاطون که از طبقه‌ی اشراف برخاسته و نظام تربیتی‌اش نیز ریشه در آرمان‌های اشرافی دارد خواه ناخواه متأثر از اشعار حماسی و اسطوره‌ای هومر است. خود افلاطون نیز بارها در لابه‌لای آثارش بیان می‌کند که در زمان او بیشتر مردم یونان به هومر به عنوان مربی اخلاقی و تربیتی خود نگاه می‌کردند. اشعار هومر در حماسه‌ها و اساطیر کهن یونان ریشه دارد، به همین دلیل همواره حس میهن‌پرستی یونانیان را تقویت می‌کرد. دو حماسه‌ی بزرگ هومر (**ادیسه** و **ایلیاد**) بیشتر از هر شعر دیگر، آینه‌ی تمام‌نمای آرمان‌های والای تربیتی و فرهنگی یونانیان بود. همان تصور آرمانی که هومر در آثارش خلق می‌کند پایه‌ی تربیت یونانی قرار می‌گیرد.

¹-Homere

« شعر هنگامی اثر تربیتی می‌بخشد که در اعماق روح انسانی ریشه داشته باشد و اعتقادی اخلاقی و اشتیاقی والا و درونی و آرمانی الزام‌آور برای عالم بشریت را مجسم سازد. عالی‌ترین شعر یونانی بدین مایه اکتفا نمی‌ورزد که یک واقعیت اتفاقی و دلبخواه زندگی را در برابر چشم ما قرار دهد، بلکه واقعیتی را که می‌خواهد به ما نشان دهد با توجه به آرمانی خاص برمی‌گزیند.» (یگر، ۱۳۷۶، ج ۱ ص ۸۲)

هومر با ترسیم چهره‌ی پهلوانان بزرگ یونانی که از تمام فضایل (اعم از جسمی و روحی) برخوردارند، آگاهانه نمونه و الگوی یک انسان آرمانی را ارائه می‌دهد، که جوانان یونانی در دوره‌های مختلف تحت‌تأثیر آن شخصیت‌ها قرار گرفته‌اند، و همواره به آنها به عنوان یک سرمشق نگریسته‌اند.

هومر در تلاش بود که عناصر جادویی و افراطی را از دامن دین یونانی بزدايد. او براین باور بود که آدمیان و ارباب انواع از یک منشأ و خاستگاه هستند، به همین دلیل برآن بود تا از خدایان تصویری که شبیه انسان‌ها است، ارائه دهد و آن را جایگزین تصاویر خدایان در شکل حیوانات و موجودات عجیب‌الخلقه کند. همچنین هومر با روشن ساختن و نظم‌بخشی به جهان خدایان در قالب اسطوره سهم عمده‌ای در باورهای دینی یونانیان پس از خود داشته. یگر در این باره می‌گوید:

« در سراسر حماسه‌ی هومر اندیشه‌ی فراگیر « فلسفی » درباره‌ی طبیعت انسانی و قوانین ابدی حاکم بر جهان جلب توجه می‌کند، این اندیشه همه‌ی عوامل اساسی زندگی آدمی را می‌شناسد و درباره‌ی آنها داوری می‌کند. شاعر حماسه هر واقعه و هر سیرت فردی را در روشنایی شناخت کلی خود بر ماهیت امور و اشیاء بدقت می‌نگرد. گرایش شاعر یونانی به سنجیدن هر رویدادی با معیاری کلی و استنتاج جزئیات از مقدمات کلی و بکار بردن مثال‌های اساطیری همچون نمونه‌های آرمان-های معتبر در همه‌ی موارد از حماسه‌ی هومر ریشه می‌گیرد.» (همان، ص ۹۸)

با توجه به این سخن یگر شاید بتوان گفت بهره‌مندی حماسه‌های هومری از اندیشه‌ای فلسفی، شعر او را به صورت امری واحد و یکپارچه در آورده، که ریشه در رسالت تربیتی آگاهانه‌ای

دارد. به همین دلیل اشعار هومر به عنوان یک نیروی تربیتی مورد توجه اندیشمندان یونانی قرار گرفته. حتی خود افلاطون در کنار انتقاداتی که به اشعار هومر می‌کند به ارزش تربیتی شعر نیز آگاه است و از آن به عنوان، یکی از ابزارهای مهم تربیت یاد می‌کند:

«به گمان من پرورش روح به وسیله‌ی شعر و موسیقی رکن عمده‌ی تربیت است و آن از این سبب است که وزن و آهنگ با لطافتی که مخصوص آنهاست نفوذی خاص و تأثیری عمیق در روح دارد و بنابراین کسی که از این نوع تربیت کماهو حقه برخوردار شده باشد دارای طبعی لطیف می‌شود و حال آنکه کسی که فاقد آن باشد از لطافت طبع محروم خواهد بود و در نتیجه‌ی همین تربیت است که انسان هر نقص یا کراهتی را که در آثار صنعت یا طبیعت وجود داشته باشد به خوبی درک کرده، از مشاهده آن حقا بیزار می‌شود.» (افلاطون، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶)

کارل یاسپرس در اثر ارزشمند خود با نام **افلاطون** بعد از آنکه انتقادات افلاطون را از شاعران مطرح می‌کند، خود افلاطون را شاعری بزرگ می‌داند. او معتقد است در مورد افلاطون نمی‌توان شاعر را از فیلسوف جدا کرد، چراکه «در این جدایی حقیقت افلاطون از میان می‌رود: در یک سو توده‌ای مطالب درسی می‌ماند، که به خودی خود معنای راستین خویش را از دست می‌دهند و حتی متناقض یکدیگرند، و در سوی دیگر تجسم و تصاویری شاعرانه، که به خودی خود تنها مؤثر و دل‌انگیزند. فلسفه‌ی افلاطون باید در آن ژرفایی دریافته شود که از آنجا سخن می‌گوید: این فلسفه، واحد تجزیه‌ناپذیری است که نه آن را علم تنها می‌توان انگاشت و نه شعر تنها. اگر فلسفه را همچون فلسفه به معنی دقیق از شعر جدا کنیم نیروی فلسفه‌ی افلاطون خاموش می‌شود.» (یاسپرس، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶)

بنابراین در بررسی اندیشه‌های تربیتی افلاطون همواره باید به شعر کهن یونان به عنوان یکی از مهمترین ریشه‌های تاریخی این اندیشه بنگریم.